

بلوک‌بندی اقتصادی در فرایند تشکیل بازار مشترک اسلامی با تأکید بر بخش کشاورزی

*دکتر حسین پیراسته

**دکتر سید کامیل طیبی

***امیر هرتمنی

تاریخ ارسال:

تاریخ پذیرش:

چکیده

امروزه در فرایند یکپارچگی‌های اقتصادی و تشکیل بازار مشترک، بلوک‌بندی‌های اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص هم‌مرزی، همگرایی و تشابه اقتصادی، هم‌زبانی، هم‌نژادی عوامل تأثیرگذار بر تعمیق روابط تجاری و اقتصادی بین کشورها است. با این حال در یک مفهوم کلی عوامل فوق‌الذکر زیر مجموعه‌ای از مفهوم گسترده همجواری^۱ در روابط تجاری و اقتصادی بین آنها است. در ادبیات اقتصادی تجارت بین‌الملل، اندازه‌گیری شاخص تجاری مانند معیار کسینوس و تمرکز تجاری و شاخص‌های همگنی اقتصادی مثل درجه آزادی اقتصادی، همگرایی در آمد سرانه و نقش دولت در اقتصاد، تبیین‌کننده راهبردهای کشورها به سمت بلوک‌بندی و ادغام‌های تجاری- منطقه‌ای است. بلوک‌بندی در همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای عضو OIC بویژه یکپارچگی در محصولات کشاورزی امکان‌پذیر است. به طوری که هدف این مطالعه بررسی اثر بلوک‌بندی‌های مختلف از طریق هم‌جواری بر کاهش ناهمگنی در ساختار اقتصادی کشورهای عضو و افزایش درجه تشابه تجاری آنهاست. چنانچه کشورها در قالب زیر بلوک‌های موثر تقسیم‌بندی شوند، زمینه‌های هم‌گرایی اقتصادی در بین اعضای این بلوک‌ها فراهم می‌شود. بر این اساس، با استفاده از تحلیل آماری روابط تجاری محصولات کشاورزی در کنار شاخص آزادی اقتصادی کشورها، تغییر در ناهمگنی کشورها در زیر بلوک‌های اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تعمیق یکپارچگی در زیر بلوک‌های موجود (اکو، شورای همکاری خلیج فارس) و

۱. Contiguity

Pirasteh_h@yahoo.com

komail@econ.ui.as.ir

*** دانشجوی دوره دکتری دانشگاه اصفهان - مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان (نویسنده مسئول)

amir_hortamani@yahoo.com

* دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

** دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

بر خورداری از پتانسیل استقرار زیربلاک‌های پیشرفته‌تر، در راستای تعمیق هم‌جواری توان مبادله‌ای درون بلوکی را در اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: هم‌جواری، جریان تجاری، محصولات کشاورزی، تشابه تجاری، شاخص آزادی اقتصادی، ساختار اقتصادی، بلوک‌بندی

طبقه بندی JEL:

مقدمه

در چند دهه اخیر دور جدیدی از یکپارچگی در اقتصاد جهانی آغاز شده است و روند اقتصاد جهانی به سوی وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به یکدیگر پیش می‌رود. از زمان پیدایش نظریه اصل تقسیم کار و تخصص بین‌المللی، تجارت وسیله‌ای برای رفع نیازمندی‌های بشر و سپس حصول سایر درآمدها بوده است. با این حال تجارت امروزی، موتور توسعه اقتصادی بیشتر جوامع پیشرفته و در حال توسعه بوده و جایگاهی ویژه را در فعالیت‌های اقتصادی به خود اختصاص داده است. در ادبیات اقتصادی جدید همواره بر رابطه مجاورت، تجارت و همکاری‌های اقتصادی در انتقال سرمایه و فن‌آوری و رشد تأکید می‌شود (کبیر حسن، ۲۰۰۳).

در این میان مبحث هم‌گرایی اقتصادی از جذابیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده، به طوری که رابطه میان رشد و درآمد ابتدایی را مورد بحث قرار می‌دهد. بر اساس فرضیه هم‌گرایی هر چه سطح اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی پایین‌تر باشد، نرخ رشد پیش‌بینی شده آن بالاتر است (فرهمند ۱۳۸۰). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تجارت به عنوان عامل ایجادکننده هم‌گرایی اقتصادی محسوب می‌شود که به کمک آن می‌توان به یک وضعیت اقتصادی مناسب‌تر دست یافت. از سوی دیگر هم‌گرایی اقتصادی نیز دارای اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی است که به هم‌افزایی اثرات بهبود اقتصادی مابین شرکاء اقتصادی منتهی می‌انجامد.

از آن‌جا که همکاری‌های منطقه‌ای دارای ابعاد کوچکتری نسبت به اقتصاد جهانی است به نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در آن با مشکلات کمتر اقتصادی و تجاری مواجه باشند. اینک کشورهای در حال توسعه نیز به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کرده و مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نموده، و نهایتاً "مزیت‌های نسبی و رقابتی خود را افزایش دهند. بنابراین کشورها به دنبال استفاده از طریق موافقت‌نامه‌های ترجیحی و اتحادیه‌های اقتصادی هستند تا بتوانند از منافع ناشی از یکپارچگی‌های تجاری، صرفه‌های ناشی از مقیاس و انتقال فن‌آوری بهره‌جویند (طیبی و معلمی ۲۰۰۳).

در این میان هم‌جواری یکی از عوامل تاثیرگذار بر فرهنگ، اقتصاد، روابط تجاری، روابط سیاسی و هم‌گرایی بین کشورهاست. هزینه‌های معاملاتی و حمل و نقل تابعی از مسافت است، به نحوی که هم‌جواری بین کشورها این هزینه‌ها را کاهش خواهد داد. علاوه بر روابط تجاری، فرهنگ کشورهای هم‌مرز نیز به دلایل سابقه تاریخی، تقسیمات سیاسی-جغرافیای کشورهای، هم‌نژادی و هم‌زبانی به سمت تعامل با یکدیگر پیش می‌رود که همخوانی بیشتر را در این زمینه به دنبال دارد. هم‌جواری صرفاً هم‌مرزی جغرافیایی نیست، بلکه هم‌جواری یک نوع تشابه در ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. علاوه بر آن کشورهای هم‌جوار هستند که درجه آزادی اقتصادی آنها به یکدیگر نزدیک تر است. بلوک‌بندی اقتصادی موجب طبقه‌بندی شرکای تجاری و تقسیم عادلانه منابع تجاری در بین کشورهای عضو می‌گردد. در مقابل نبود توافق‌نامه‌های منطقه‌ای موجب تقسیم به نظر ناعادلانه منابع ناشی از تجارت در بین شرکاء شده، سبب تضعیف برخی از کشورها در تجارت می‌شود و یا زیرساخت‌های اقتصادی آن کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین موجب تضعیف همکاری‌های تجاری منطقه‌ای، کم‌رنگ شدن سیاست رشد اقتصادی و محدود شدن تجارت در کشورهای در حال توسعه می‌گردد (هلر ۱۳۷۰). حال در صورتی که شرکای تجاری دارای هم‌گرایی، همکاری‌های منطقه‌ای و ساخت مشابه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ... باشند آن‌گاه منابع حاصل از تجارت به نحو مطلوبی بین کشورهای شریک تقسیم می‌گردد.

عمده‌ترین محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه کالاهای کشاورزی است و به استثنای چند کشور که صادرکننده مواد خام هستند، درآمدهای صادراتی سایر کشورها صرفاً از فروش کالاهای کشاورزی به دست می‌آید. مقوله کالاهای کشاورزی یکی از مباحث اصلی در سازمان تجارت جهانی بین کشورهای پیشرفته دنیا و کشورهای در حال توسعه است، به نحوی که اکثر کشورهای اروپایی انواع موانع را در برابر واردات این کالاهای خود وضع می‌کنند. قیمت کالاهای کشاورزی نسبت به محصولات صنعتی بسیار پایین است دلیل عمده این امر عدم وجود هماهنگی و یکپارچگی در میان کشورهای صادرکننده این کالاهاست که به ضعف درآمدهای صادراتی آنها منتهی می‌شود. بنابراین تشکیل بلوک‌های اقتصادی در زمینه کالاهای کشاورزی موجب افزایش قدرت چانه‌زنی کشورهای صادرکننده این محصولات در جهان که غالباً کشورهای در حال توسعه هستند خواهد شد (متوسلی ۱۳۷۸).

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یکی از بلوک‌های سیاسی جهان مرجع سیاست‌گذاری کلی در بین کشورهای اسلامی است. در چند دهه گذشته این سازمان نقش فعالی را در بین کشورهای اسلامی بر عهده گرفته است و سعی در ایجاد یک بلوک اقتصادی در بین این کشورها داشته است (سینداروک ۱۹۹۲). بیشتر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مرحله توسعه اقتصادی

قرار دارند و بخش کشاورزی عمده‌ترین فعالیت در این کشورها، البته به استثنای کشورهای نفت خیز است. ایجاد یک بلوک بندی اقتصادی با تکیه بر بخش کشاورزی و هم‌جواری ضرورتی اجتناب ناپذیر است که بدین وسیله مشکل اصلی عدم همگنی کشورهای عضو نیز کمتر خواهد شد (علی ۱۹۹۳).

هدف مقاله حاضر بررسی کاهش ناهمگنی اقتصادی در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از طریق گروه‌بندی جغرافیایی - سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی است. اصل اولیه در این بلوک‌بندی هم‌جواری کشورها با توجه به مطالب مطرح شده و در طی تقسیم‌بندی، کاهش درجه ناهمگنی در بین کشورهای اسلامی در زمینه تشابه تجاری - ساختار اقتصادی و شاخص‌های آزادی اقتصادی ارزیابی می‌شود. به‌طور مشخص کشورهای اسلامی امروزه با ناهمگنی‌های زیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به یکدیگر مواجه‌اند. لذا انگیزه اصلی این مقاله ارائه یک بلوک‌بندی بالقوه است که هم‌جواری، آزادی اقتصادی و تشابه تجاری عوامل تشکیل‌دهنده آن است. جامعیت اجزای هر یک از این معیارها در مرحله عمل نمودی از همگنی کشورها را تجربه می‌کند.

در این مقاله ابتدا به شرح تاریخچه‌ای از سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته می‌شود و سپس اهمیت ادغام‌های اقتصادی در این سازمان، که تا کنون به فعلیت رسیده و یا امکان تحقق دارند، اشاره می‌شود. پس از آن منافع یکپارچگی ناشی از تشکیل بلوک‌های اقتصادی در سازمان بررسی می‌شوند. در ادامه شاخص‌های عمده (هم‌جواری، تشابه تجاری، ساختار اقتصادی، آزادی اقتصادی) در بلوک‌بندی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مطرح و ارزیابی قرار می‌گیرند. در نهایت به جمع‌بندی و ارائه یک بلوک همکاری با لحاظ شاخصهای مورد بحث و متکی بر بخش کشاورزی پرداخته می‌شود.

سازمان کنفرانس اسلامی^۱

سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) مشتمل بر ۵۷ کشور مستقل اسلامی است. این سازمان در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۷ با عضویت ۲۵ کشور در جریان اولین نشست سران دنیای اسلام در رباط مراکش که به دنبال آتش‌سوزی صهیونیستها در بیت‌المقدس برگزار شد، تأسیس یافت. سومین نشست وزرای خارجی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی در فوریه ۱۹۷۲ سازمان با هدف اقتدار، همبستگی و همکاری میان دولتهای اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی تنظیم شد. پس از آن نشست‌های متعددی جهت تحقق اهداف سازمان انجام شد و در نهایت در جلسات

۱. Organization of Islamic Conference

اخیر بحث یکپارچگی و ایجاد بازار مشترک اسلامی مطرح گردید. اهداف سازمان کنفرانس اسلامی در اتحاد و همبستگی میان کشورهای عضو، همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی و سایر زمینه‌ها - یکپارچگی جهان اسلام برای حفظ عزت، استقلال و حقوق ملی، جهت‌دهی فعالیت‌ها به سمت حفظ مکان‌های مقدس و حمایت از دفاع مردم فلسطین، تلاش برای از میان بردن تبعیض نژادی و ایجاد فضای مطلوب برای پیشرفت همکاری میان دولت‌های عضو و سایر کشورها متمرکز گردیده است. (سازمان کنفرانس اسلامی، ۲۰۰۰)

سازمان کنفرانس اسلامی در ابتدا به عنوان یک سازمان سیاسی آغاز به کار نمود و متعاقب آن اهداف خود را به سمت بهبود همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو سوق داد. از این رو، همکاری‌های اقتصادی به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد بحث سازمان مطرح شد. سازمان کنفرانس اسلامی دو برنامه برای همکاری با سازمان ملل متحد و سازمان همکاری اقتصادی (ECO)^۱ دارد. مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و پنجمین نشست خود تصمیم به گسترش و افزایش همکاری میان سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی گرفت.

به منظور اقتدار اقتصادی و همکاری تجاری میان کشورهای عضو تصمیمات مختلفی اتخاذ گشت و فعالیت‌های زیادی در چهار چوب این تصمیمات انجام گرفته است. در دوازدهمین نشست وزیران این سازمان در سال ۱۹۸۱ توافقنامه‌ای به منظور پیشرفت و انتقال فن‌آوری میان دولت‌های عضو و حمایت سرمایه‌گذاری در مقابل خطرات اجتماعی تجاری و تضمین انتقال سرمایه به خارج به وجود آمد (چاپرا ۱۹۹۳)^۲. در سال ۱۹۸۴ اولین نشست کمیته همکاری اقتصادی و تجاری^۳ (COMCEC)، برنامه کوتاه مدتی را برای پیشرفت تجارت میان کشورهای عضو (OIC) اجرا نمود. در ششمین نشست، همین کمیته چهارچوب توافقنامه تأسیس سیستم ترجیح تجاری میان کشورهای عضو را اتخاذ نمود. در هفتمین نشست سران کشورهای اسلامی در دسامبر ۱۹۹۴، طرح عمل همکاری اقتصادی میان اعضا اتخاذ شد که شامل زمینه‌های کشاورزی، توسعه روستایی، صنعت، انرژی، تجارت خارجی، حمل و نقل و ارتباطات، توریسم، پول و بانک‌داری، وجوه سرمایه، فن‌آوری و همکاری‌های فنی، توسعه منابع انسانی و محیط زیست می‌شد. در نهایت در سال ۱۹۹۷ در هشتمین نشست سران تصمیم تشکیل بازار مشترک اسلامی گرفته شد.

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارای پراکندگی جغرافیای زیادی هستند، به طوری که ۲۷ کشور در قاره آسیا، ۲۸ کشور در قاره آفریقا، ۱ کشور در اروپا و ۲ کشور در امریکای لاتین قرار دارد. از نظر مساحت، کشورهای عضو (OIC) شرایط مختلفی دارند. بزرگترین آنها،

۱. Economic Cooperation Organization

۲. Chakra (۱۹۹۳)

۳. The Standing Committee for Economic and Trade Cooperation

قزاقستان با مساحت ۲۶۷۱ هزار کیلومتر مربع و کوچکترین آنها مالدیو با مساحت ۳۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارند. حدود ۱/۳ جمعیت کل جهان ساکن در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند. پرجمعیت‌ترین آنها کشور اندونزی با جمعیتی در حدود ۲۲۰ میلیون نفر و کم جمعیت‌ترین، مالدیو با جمعیتی کمتر از نیم میلیون نفر می‌باشد. متوسط رشد جمعیت در این کشورها ۳/۲ درصد است. اکثر کشورهای (OIC) جزء کشورهای کمتر توسعه یافته محسوب می‌شود و معمولاً با درآمد سرانه پایین و نرخ رشد بالای جمعیت مواجه هستند. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تقریباً ۲۳ درصد از کل مساحت جهان را به خود اختصاص داده در صورتی که تولید ناخالص داخلی آنها در سال ۱۹۹۸ تنها ۲/۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان بوده است. مهمترین بخش اقتصادی در این کشورها کشاورزی و خدمات است (فرهمنده ۱۳۸۰).

پیمان‌ها و توافقات منطقه‌ای در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

امروزه ادغام یا یکپارچگی اقتصادی یکی از عناصر مهم و راهبردی تصمیمات اقتصادی اکثر کشورهای دنیاست. در این راستا بزرگترین ادغام‌های اقتصادی - سیاسی که تا کنون شکل گرفته اتحادیه اروپا (EU)^۱ در قاره اروپا و اتحادیه ملتهای جنوب شرق آسیا (ASEAN)^۲ در قاره آسیاست. سایر کشورهای دنیا می‌کوشند که از این اتحادیه‌ها الگو گرفته و از ادغام‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای دسترسی به بازار بزرگتر و رشد اقتصادی بالاتر برای به دست آوردن رفاه بیشتر استفاده کنند. به طور کلی، ادغام‌های اقتصادی در اشکال متنوع موافقت‌نامه ترجیحی، ناحیه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی بازار، مشترک اتحادیه اقتصادی (پولی)، اتحادیه کامل اقتصادی مشاهده می‌گردند. کشورهایی که تحت ادغام‌های سیاسی جمع می‌شوند موانع اجرایی بین خودشان را از بین می‌برند و یک سیاست واحد از جمله یک تعرفه مشترک خارجی بر واردات، و امنیت به کشورهای غیر عضو اجرا می‌کنند.

شایان ذکر است در حالی که آزادی تجاری چهارچوب اصلی سازمان جهانی تجارت (WTO) است، منطقه‌گرایی اقتصادی یک مرحله ضروری دیگری از روابط تجاری است که موجب افزایش تجارت در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، اگر چه ناسازگار و در تقابل با یکدیگر نیستند.

۱. European Union

۲. Association of South East Asian Nations

پیمان‌های سیاسی - اقتصادی در OIC

پیشرفت در همکاری‌های منطقه‌ای در بین کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی در قالب زیربلوک‌های اقتصادی - سیاسی نیازمند برقراری روابط نزدیکتر در میان آنهاست، خصوصاً این که اهداف منطقه‌گرایی و برنامه‌های آن دسترسی بیشتر به بازارهای جدید و ایجاد ارتباطات قوی تجاری در بازارهای جهانی را در بر می‌گیرد. کشورهای اسلامی به گروه‌های متفاوتی در زمینه ساختار اقتصادی، سطح توسعه، نظام‌های سیاسی، وضعیت قومی و فرهنگی شناخته می‌شوند. اگر چه همه آنها در یک چیز یعنی اسلام مشترک هستند. این ناهماهنگی در بین کشورهای اسلامی بحث‌های زیادی را در مورد امکان و یا عدم امکان در تشکیل بازار مشترک اسلامی به دنبال داشته است. طیف متنوعی از گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و توافق‌نامه‌های ترجیحی در بین کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی منعقد شده است، به طوری که آنها را می‌توان در دو گروه تقسیم‌بندی نمود. شکل هم‌گرایی بلوک‌های OIC در بین کشورهای عضو و غیر عضو در جدول (پ-۱) و (پ-۲) به ترتیب آمده است.

گروه اول شامل: اتحادیه مغرب عربی (AMU)^۱، شورای همکاری اقتصادی (CAEU)^۲، شورای همکاری خلیج (GCC)^۳ و سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) است. گروه دوم شامل: طرح‌های همکاری منطقه‌ای در افریقا^۴؛ از آن جمله می‌توان به مجمع اقتصادی افریقا (AEC)^۴، اتحادیه گمرکی و اقتصادی افریقای مرکزی (UDEAC)^۵ و بازار مشترک شرق و جنوب افریقا (COMESA)^۶ اشاره کرد.

اتحادیه مغرب عربی (AMU)، شورای همکاری خلیج (GCC) و شورای اتحادیه اقتصادی عرب (CAEU) در اولین قدم تاسیس اتحادیه گمرکی را هدف قرار داده و پس از آن در پی تاسیس یک بازار مشترک بوده‌اند. از طرف دیگر شورای همکاری اقتصادی (ECO) یک توافق‌نامه ترجیحی است که بر روی بعضی از تولیدات کالاهای کشورهای عضو اعمال می‌گردد. مهمترین اقدام این سازمان در همکاری‌های بیمه‌ای استقرار مؤسسات بیمه آکو بوده است. همچنین، اهداف اتحادیه مغرب عربی در ابتدا تقویت اقتصاد و مناسبات فرهنگی، تثبیت منطقه‌ای و افزایش تمایلات دو طرفه تجاری در میان کشورها در این منطقه بوده است. از طرف دیگر تصمیم‌گیران بانک مرکزی اتحادیه مغرب عربی یک موافقتنامه پرداخت چند جانبه در جهت تسهیل کردن

۱. Arab Maghreb Union

۲. Council of Arab Economic Union

۳. Gulf Cooperation Council

۴. African Economic Community

۵. Central African Customs and Economic Union

۶. Common Market for Eastern and Southern Africa

عملیات درون بانکها در منطقه امضا کرده‌اند. این توافق‌نامه کیفیت پرداختها در بین بانک‌های مرکزی کشورهای عضو را یکسان نموده و عدم دریافت بهره را بر روی این پرداختها فراهم می‌کند. این امکاناتی را برای دیگر اعراب و کشورهای آفریقایی جهت پیوستن به اتحادیه در گامهای بعدی فراهم می‌کند^۱. در اتحادیه اقتصادی عرب هدف نهایی تاسیس یک بازار مشترک عربی است. اهداف اولیه، تاسیس اتحادیه گمرکی است.

اهداف اولیه اتحادیه اقتصادی عرب تاسیس اتحادیه گمرکی و سپس ایجاد یک بازار مشترک عربی است. در این راستا موانع تعرفه‌ای و محدودیت تحرک نیروی کار و حمل و نقل از میان برداشته شده به طوری که چهارچوب انعطاف پذیری برای همکاری‌های متقابل فراهم گردیده است.

هدف شورای همکاری خلیج (GCC) نیز تاسیس یک بازار مشترک در میان اعضاء با تحرک کامل عوامل تولید، کالاها و خدمات است. به منظور دستیابی به این مهم یک الگوی یکسان در زمینه‌های مختلف از جمله قوانین مشابه اقتصادی، مسائل مالی، کشاورزی، صنعت، آموزش، توریسم، قانون گذاری، گمرکات و... ارائه می‌شود. هدف آتی این شورا ایجاد ثبات و یکپارچگی سیاسی اقتصادی در جهت همکاریهای اقتصادی و سیاستهای پولی و مالی بوده است. هدف اکو کاهش موانع و حرکت به سوی تجارت درون و برون منطقه‌ای است که در این دیدگاه ایجاد یک ناحیه تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو یکسان می‌شود. بر طبق این دیدگاه کشورهای عضو موانع تعرفه‌ای و گمرکی را در بعضی تولیدات کاهش خواهند داد.

گروه‌های منطقه‌ای در میان کشورهای OIC و سایر کشورها

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی موافقت‌نامه‌های متعددی را در زمینه‌های مختلف اقتصادی - سیاسی و تجاری با سایر کشورها غیر عضو سازمان کنفرانس اسلامی به امضا رسانده‌اند. نه مورد از این موافقت‌نامه‌ها مربوط به کشورهای آفریقایی عضو سازمان و پنج مورد دیگر در ارتباط با کشورهای آسیایی و اروپایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی است. از جمله این پیمان‌ها می‌توان به مجمع اقتصادی افریقا (AEC)، اتحادیه گمرکی و اقتصادی افریقای مرکزی (UDEAC)، بازار مشترک شرق و جنوب افریقا (COMESA) و انجمن ملت‌های جنوب شرقی آسیا (ASEAN) اشاره نمود که متشکل از کشورهای عضو سازمان و دیگر کشورهای غیر عضو است.

هدف عمده در پیمان‌های منطقه‌ای در افریقا ایجاد طرح‌های هم‌گرایی در جهت رسیدن به بازار مشترک و یا اتحادیه پولی است. بسیاری از موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای در این قاره تصمیم به

۱. M.Kabir ۲۰۰۳

ایجاد طرح‌های بزرگ هم‌گرایی گرفته‌اند به گونه‌ای که در نهایت به یک اتحاد پولی دست یابند. دیگر پیمان‌های منطقه‌ای نظیر (MRU)^۱ و (IOC)^۲ ناحیه تجاری ترجیحی را هدف‌گذاری نموده‌اند. در عمل، هدف پیمان‌های منطقه‌ای در کشورهای آسیایی و اروپایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی تشکیل ناحیه آزاد تجاری و یا اتحادیه گمرکی است. هدف اساسی در همکاری‌های اقتصادی دست‌یابی به توسعه و رشد اقتصادی بیشتر برای کلیه شرکا در راستای استفاده از توانایی یکدیگر است. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در آسیا (نظیر ایران، ترکیه، پاکستان)، خاورمیانه و به خصوص شرق دور (کشورهای جنوب شرقی آسیا) در برنامه‌ها و طرح‌های همکاری منطقه‌ای بسیار فعال بوده‌اند. بعضی از کشورها در حال پیوستن به این پیمانها و برخی دیگر طرحها را به مرحله اجرا رسانده‌اند. ارزیابی طرح‌های هم‌گرایی منطقه‌ای در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نشان می‌دهند اهداف اولیه و نهایی این الگوها با یکدیگر متفاوت بوده و مشکلات مفهومی زیادی در این رابطه برای کشورها وجود دارد. از طرف دیگر تنوع و اختلاف در ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها رسیدن به یک الگوی واحد را برای هم‌گرایی منطقه‌ای بین آنها را با مشکل مواجه نموده است. مطالعه بر روی انواع فرم‌های هم‌گرایی و ساختن بلوک‌هایی تا حدودی همگن یکی از راه‌حل‌های این مشکل خواهد بود. بلوک‌هایی که بتوانند تفاوت را در بین اعضا کاهش داده و زمینه افزایش همکاری و تعامل اقتصادی را فراهم آورند.^۳

هم‌جواری و آزادی اقتصادی در کشورهای OIC

هم‌جواری و بلوک‌بندی

هزینه حمل و نقل یکی از ارقام مهم در تعیین قیمت کالاهای تجاری است. هم‌مرزی کشورها این هزینه را در هر شکلی از حمل و نقل کاهش می‌دهد و می‌تواند فرصت‌های اقتصادی بی‌شماری را ایجاد کرده که به نحو مطلوب و سریع مورد استفاده قرار گیرد. تعامل در صحنه سیاسی جهت کشورهای همسایه و هم‌مرز ضروری است که پایداری نظام سیاسی در کشورها را در پی دارد. روابط همسایگی بین کشورها علی‌رغم بعضی از مشکلات دارای مزایای بسیاری است. اگر به قراردادها و موافقت‌نامه‌های تجاری یا سیاسی نگاه شود به این نکته که همسایگی رمز تشکیل آنها بوده است، پی برده می‌شود. مفهوم هم‌جواری در عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی نهفته

۱. Mano River Union

۲. Indian Ocean Commission

۳. M. Kabir, ۲۰۰۳

است، که البته شاخصهای اقتصادی برای توضیح یکپارچگی بلوکها نسبت به معیارهای غیر اقتصادی صراحت داشته و از قابلیت اندازه گیری دقیقتری برخوردار است. به دلیل وزن عوامل غیر اقتصادی (فرهنگ، زبان، نژاد و....) در شکل دهی هم‌جواری بین کشورها امکان ثبات و ماندگاری آنها در یک بلوک علی‌رغم عوامل اقتصادی افزایش می‌یابد. در این راستا کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بر اساس برخی معیارهای هم‌جواری که زیر مجموعه‌ای از عوامل منطقه گرای، هم‌مرزی، هم‌نژادی، هم‌زبانی و تشابه فرهنگی و تشابه سیاسی تشکیل دهنده آن است، می‌توانند در قالب بلوک‌بندیهای جدیدی معرفی می‌شوند که در ادامه به بررسی عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی در این بلوکها پرداخته می‌شود.

بلوک‌بندی که با مشخصات فوق صورت گیرد به ترتیب زیر قابل طبقه‌بندی است:

الف - بلوک جنوب شرقی آسیا شامل: بنگلادش، اندونزی، مالزی، مالدیو، بروئی

ب - بلوک امریکای جنوبی، گویان و سورینام

پ - بلوک کشورهای تازه استقلال یافته شوروی: آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان،

ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان

ت - کشورهای خاورمیانه غیر عربی: افغانستان، پاکستان، ایران و ترکیه

ث - کشورهای خاورمیانه عربی: بحرین، امارات، کویت، عراق، اردن، لبنان، قطر، عمان،

عربستان سعودی، سوریه، فلسطین، یمن.

ج - بلوک کشورهای شمال افریقا فرانسوی زبان: الجزایر، تونس، مراکش، لیبی، مصر

چ - بلوک کشورهای مرکزی افریقا: سودان، بنین، جیبوتی، بورکینافاسو، کامرون، چاد،

کومور، ساحل عاج، گینه، گینه بیسائو، گابن، گامبیا، نیجر، نیجریه، مالی، موریتانی، موزامبیک،

سیرالئون، سنگال، سومالی، توگو، اوگاندا

ح - بلوک اروپایی: آلبانی

از آنجایی که بلوک امریکای جنوبی و اروپا شامل کشورهای کوچک و تعداد اندکی است

لذا این دو طبقه تحت عنوان بلوک سایر مطرح می‌شود.

معیار آزادی اقتصادی

نگرش جدید در مورد تجارت و آزادسازی آن در کشورهای مختلف اثرات مطلوبی را از نظر اقتصادی به همراه داشت. پس از حرکت کشورها به سوی تجارت آزاد از سال ۱۹۹۵ متغیرهای مختلف جهت شاخصهای آزادی اقتصادی پیشنهاد شده که مستقیماً با آزادی اقتصادی در جهات مختلف ارتباط دارند. در نهایت شاخصهایی که جهت آزادسازی اقتصادی معرفی شده به قرار

زیر است. (بنیاد هریتیج ۲۰۰۶)^۱

الف- سیاست‌های تجاری

سیاست تجاری یکی از معیارهای عمده اندازه‌گیری شاخص آزادی اقتصادی است. درجه آزادی جریان تجاری و دخالت دولت در این زمینه مجموعاً بر روی دستیابی افراد جامعه به اهداف اقتصادی‌شان مؤثر خواهد بود. سه متغیر برای سیاست تجاری در نظر گرفته می‌شود که شامل: میانگین وزنی نرخ تعرفه، موانع غیر تعرفه‌ای و انحرافات گمرکی است. به‌عنوان مثال در صورتی که نرخ متوسط تعرفه گمرکی برابر و یا کمتر از ۲/۵ درصد باشد سیاست حمایتی تجاری در سطح بسیار پایین قرار می‌گیرد و بیشتر از ۲۰ درصد بسیار بالاست. بنابراین معیار آزادی اقتصادی تجاری در ارتباط معکوسی با سیاستهای حمایتی است و چنانچه رقم نرخ متوسط تعرفه بیشتر باشد از درجه آزادی اقتصادی کاسته می‌شود.

ب- بار مالی دولت

برای اندازه‌گیری این شاخص نرخ نهایی مالیات و تغییرات سالیانه مخارج دولت بر اساس درصدی از تولید ناخالص ملی ملاک قرار می‌گیرد. نرخ نهایی مالیات وضع شده برای افراد قیمت پرداختی را تحت تاثیر قرار می‌دهد که به نوبه خود بر فعالیت‌های آینده اقتصادی و ریسک‌بناگاه‌ها مؤثر است. متغیرهای این شاخص عبارتند از: بالاترین نرخ مالیات بر درآمد، بالاتر نرخ مالیات بر شرکت‌ها، تغییرات سالیانه درصد مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، کمترین سطح این متغیر مربوط به نرخ مالیاتی کمتر از ۱۵ درصد و بیشترین سطح آن نرخ بالای ۳۶ درصد مالیات بر بنگاه-هاست. درجه آزادی اقتصادی ارتباط معکوسی با بار مالی در یک کشور دارد. بنابراین با افزایش نرخ مالیات و سهم مخارج دولت در تولید ناخالص ملی، آزادی اقتصادی کاهش می‌یابد.

پ- دخالت اقتصادی دولت

این شاخص استفاده مستقیم دولت از منابع و همچنین کنترل و مالکیت منابع اقتصادی توسط دولت را اندازه‌گیری می‌کند. متغیرهای این معیار شامل مصرف دولت به صورت درصدی از کل اقتصاد، مالکیت دولتی روی فعالیت‌های صنعتی و تجاری، سهم درآمد دولت از درآمدهای استانی و مالکیت دولت، کالای نهایی تولید شده توسط دولت هستند

۱. The Heritage Foundation (۲۰۰۶)

ت- سیاست‌های پولی

ارزش پول ملی یک کشور با سیاست‌های پولی آن در ارتباط است. در یک سیاست پولی با ثبات، قیمت‌های بازار در حال و آینده از ثبات نسبی بهره می‌جویند. بنابراین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و سایر برنامه‌های بلندمدت اقتصادی تسهیل شده و افراد از آزادی اقتصادی بیشتری برای تصمیم‌گیری برخوردارند. تورم بر خلاف سیاست پولی باثبات موجب از بین رفتن ارزش دارایی‌های مالی افراد، برهم خوردن نسبت قیمت‌ها، انحراف منابع تولید، افزایش هزینه فعالیت‌های تجاری و خراب شدن پایه‌های جامعه خواهد شد، که البته محدودکننده آزادی اقتصادی نیز هست. چنانچه مقدار این شاخص بر اساس نرخ متوسط وزنی تورم کمتر از ۳ درصد باشد، آزادی اقتصادی از وضعیت خوبی برخوردار است.

ث- جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی

وجود محدودیت و موانع در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و جریان سرمایه مختل‌کننده آزادی اقتصادی است. در مقابل کاهش محدودیت و یا عدم آن بر روی سرمایه‌گذاری خارجی شرایط آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، زیرا سرمایه‌گذاری خارجی تامین‌کننده منابع لازم برای تولید داخلی است.

متغیرهای این شاخص شامل کدگذاری سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت بر روی مالکیت خارجی در فعالیت‌های تجاری، محدودیت بر روی شرکت‌ها و صنایع جهت سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت و پیش‌نیازها برای شرکت‌های خارجی، مالکیت خارجی بر روی زمین، برابری قانون برای شرکت‌های داخلی و خارجی، محدودیت روی بازگشت منافع به کشورهای مادر، محدودیت بر روی انتقال سرمایه و دسترسی بر منابع مالی برای شرکت‌های خارجی است.

ج- بانک‌داری و تأمین مالی

در بیشتر کشورها بانک‌ها تأمین‌کننده اصلی منابع مالی هستند که رشد اقتصادی را تسهیل می‌کنند. فعالیت‌های آنها شامل وام‌دهی جهت فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، خرید خانه و تأمین اعتبار برای خرید کالاهای مصرفی است. به علاوه بانک‌ها مکان امنی را برای افراد جهت ذخیره منابع مالی‌شان فراهم می‌کنند. اکثر بانک‌ها در کشورهای جهان سوم تحت کنترل دولت هستند و آزادی کمتری در زمینه فعالیت‌های بانکی را دارند، به طوری که کنترل شدید بانک‌ها توسط دولت، فرصت‌ها را کاهش می‌دهد و باعث کاهش آزادی اقتصادی می‌شود. در نتیجه کنترل بانکها توسط دولت رابطه معکوسی با آزادی اقتصادی خواهد داشت.

متغیرهای این معیار هم شامل میزان مالکیت دولت بر مؤسسات مالی، محدودیت‌های دولتی روی تأسیس بانک‌های خارجی و شعب آنها، میزان دخالت دولت بر روی تخصیص اعتبارات کنترل دولت که باعث ایجاد موانع بر فعالیت‌های مالی می‌شود، آزادی عمل بانک‌ها بر روی ارائه انواع خدمات مالی، ایمنی و سیاست‌های بیمه‌ای است.

چ- دستمزد و قیمت

در یک اقتصاد آزاد، قیمت راهنمایی جهت تخصیص منابع تولید است. اصولاً وقتی سازوکار قیمت‌ها و دستمزدها آزادانه عمل کنند درجه بالایی از آزادی اقتصادی نشان داده می‌شود. بنگاه‌هایی که نیازمند کارگران بیشتر هستند با اعلام دستمزد بالاتر این نیاز را بر طرف می‌نمایند. کسی که قیمت بیشتری را برای خرید پیشنهاد کند می‌تواند مالک کالا شود. قیمت‌ها برای مصرف‌کننده و تولیدکننده با تبادل اطلاعات همراه است. به عنوان مثال افزایش تقاضا برای کالاها، قیمت‌ها را بالا می‌برد و این نشانه‌ای برای تولیدکننده است که میزان تولید را افزایش دهد. عواملی که شاخص دستمزد و قیمت را می‌سازد شامل قانون حداقل دستمزد، آزادی اعلام و تنظیم قیمت‌ها بدون کنترل دولتی، کنترل قیمت توسط دولت، و سوبسید دولت بر روی فعالیت‌های تجاری که قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ح- حقوق مالکیت

معیار قیمت‌ها جهت اندازه‌گیری حمایت دولت‌ها از حقوق مالکیت شخصی با توسل به قوانین استفاده می‌شود. همچنین چگونگی حمایت از حقوق مالکیت در برابر سلب آن را آزمون می‌کند. کاهش حمایت از حقوق مالکیت خصوصی موجب کاهش سطح آزادی اقتصادی در یک کشور است. در صورتی که حقوق مالکیت خصوصی تضمین شود درجه آزادی اقتصادی بالاتر می‌رود، در مقابل عدم ثبات قوانین حقوق مالکیت و بی‌توجهی به آن در سیستم قضایی و فساد دستگاه دادرسی درجه آزادی را در کشورها کاهش می‌دهد.

خ- تعدیلات

محدودیت‌ها و تعدیلات هزینه‌های بنگاه‌ها متأثر از مالیات‌ها هستند که این خود مشکلاتی را در ارتباط با تشکیل یا حفظ فعالیت‌های تجاری ایجاد می‌نماید. در بعضی کشورها دولت به‌طور رسمی مخالف با ایجاد بخش خصوصی به‌صورت کلی و یا جزئی است. اگر چه بیشتر این تنظیمات فعالیت‌های تجاری را به تعویق می‌اندازد که مهمترین آن گواهی تأسیس شرکت‌ها در فعالیت‌های تجاری جدید است. در بعضی دیگر از کشورها نظیر ایالات متحده، تولیدکنندگان

برای گرفتن گواهی نامه تجاری به سادگی با فرستادن یک فرم ثبت نام این گواهی را با حداقل هزینه دریافت می دارند. در هنگ کنگ گرفتن یک گواهی نامه تجاری نیازمند تکمیل نمودن یک فرم می باشد. در برخی کشورها مانند هند و امریکای جنوبی این فرآیند شامل سفرهای طولانی به قسمت های مختلف کشور و ادارات جهت اخذ گواهی نامه است و بیش از یک سال به طول می انجامد. (گزارش جهانی شاخص آزادی اقتصادی، ۲۰۰۶)

در مجموع، عواملی که شاخص تعدیلات را می سازند عبارتند از: مدارک لازم برای گرفتن گواهی نامه تجاری، سهولت به دست آوردن گواهی تجاری، فساد در سیستم اداری، تنظیم بازار کار مثل ساعات کار هفتگی، پرداخت ایام بیکاری و... تنظیمات عوامل محیطی، اطمینان مصرف کننده و سلامت کارگر و تنظیماتی که هزینه بر روی تجارت تحمیل می کند. در صورتی که قوانین برای تمام مشاغل یکسان باشد و تعدیلات بر روی فعالیت های تجاری نباشد و فساد هم تقریباً وجود نداشته باشد، بیشترین آزادی اقتصادی را به همراه خواهد داشت. این معیار بیانگر میزان سهولت و یا سختی ایجاد و اداره یک فعالیت تجاری است، که البته کنترل ها و بوروکراسی اداری در مقابل تجارت آزاد است.

۵- بازار غیررسمی

در حال حاضر در کشورهای در حال توسعه بازارهای غیررسمی و نهادهای غیر متشکله، انحراف در جریان کالاها و خدمات، صدور و ثبت انواع گواهی نامه های حرفه ای و بازرگانی به وجود آورده اند. به طور ملموس شاخص بازار غیررسمی نشانه ای از محدودیت ها در آزادی اقتصادی است که شامل جنبه های مختلفی از جمله: قاچاق، دزدی حقوق معنوی، عرضه محصولات کشاورزی در بازار غیر رسمی، عرضه محصولات کارخانه ای در این بازار، عرضه خدمات در بازار غیررسمی، حمل و نقل غیررسمی و عرضه نیروی کار در بازار غیررسمی و بازارهای غیررسمی در زمینه وام و سررسید قراردادهای دولتی است.

بررسی معیار آزادی اقتصادی در بلوک بندی کشورهای همجوار

شاخص آزادی اقتصادی در ده معیار فوق تعریف شده که هر کدام بخشی از اقتصاد یک کشور را مورد بررسی قرار می دهد. بعضی از این معیارها در ارتباط مستقیم با آزادی اقتصادی و برخی دیگر دارای ارتباط معکوس با آزادی اقتصادی است. جهت دستیابی به یک معیار واحد آزادی اقتصادی یک میانگین ساده و میانگین متحرک جهت لحاظ کردن اثر زمان از ده معیار اشاره شده ارائه می گردد. در جدول (۱) معیار آزادی اقتصادی در طی سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ و متوسط این سال ها آمده است. همان گونه که ملاحظه می شود تفاوت معنی داری بین میانگین ساده

و متحرک وجود ندارد، این امر خود دلیلی بر ثبات عوامل غیراقتصادی در معیار فوق است.

جدول (۱) معیار آزادی اقتصادی در طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ و میانگین سال‌ها

نام کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	میانگین	میانگین
آلبانی	۳/۵۳	۳/۶۳	۳/۶۴	۳/۵۸	۳/۵۶	۳/۸۳	۳/۴۸	۳/۲۴	۳/۴۸	۳/۵۶
الجزایر	۳/۶۸	۳/۷	۳/۶۳	۳/۶۴	۳/۵۹	۳/۴	۳/۴۵	۳/۰۵	۳/۳۶	۳/۵۲
آذربایجان	-	۴/۷۸	۴/۵۸	۴/۳	۴/۲۴	۴/۲۸	۳/۸۸	۳/۵۸	۳/۹۸	۴/۲۳
بحرین	۱/۸۳	۱/۸	۱/۸۵	۱/۹۵	۱/۸۶	۱/۹۳	۱/۹۶	۲/۰۵	۱/۹۶	۱/۹
بنگلادش	۳/۷۹	۳/۷۹	۳/۷۶	۳/۸	۳/۹۸	۴/۰۴	۴/۰۵	۳/۶۵	۳/۹۶	۳/۸۹
بنین	-	۳/۵۳	۳/۴۴	۳/۳۵	۳/۳۴	۳/۲۱	۳/۲۳	۳/۴۶	۳/۳۵	۳/۳۶
بورکینافاسو	-	۳/۹۱	۳/۷۶	۳/۷۵	۳/۵۸	۳/۵۶	۳/۴۵	۳/۳	۳/۵	۳/۶۲
کامرون	۳/۵۱	۴/۰۸	۳/۹۵	۳/۹۶	۳/۶۵	۳/۷۳	۳/۵	۳/۴۵	۳/۶۱	۳/۷۳
چاد	-	-	۴/۲۴	۴/۱۹	۴/۰۱	۳/۹۵	۳/۷۴	۳/۷۵	۳/۸۸	۳/۹۸
جیبوتی	-	-	۳/۱۸	۳/۲۹	۳/۲۸	۳/۳۸	۳/۳۸	۳/۱۶	۳/۲۷	۳/۲۸
مصر	۳/۶۹	۳/۴	۳/۴۹	۳/۲۶	۳/۳	۳/۵۳	۳/۵۳	۳/۴۸	۳/۴۶	۳/۴۶
گابن	۳/۱۹	۳/۶۳	۳/۳۱	۳/۱۸	۳/۰۹	۳/۲۶	۳/۳۸	۳/۳۳	۳/۳	۳/۲۹
گامبیا	-	-	۳/۶	۳/۷۱	۳/۵۵	۳/۶۹	۳/۶۴	۳/۲۹	۳/۵۳	۳/۵۸
گینه	۳/۲۹	۳/۱۳	۳/۳۹	۳/۱۶	۳/۱۹	۳/۳۴	۳/۲۱	۳/۴۵	۳/۳۱	۳/۲۷
گینه بیسائو	-	-	-	-	۴/۵	۴/۴	۴/۱۹	۴/۱۵	۴/۲۶	۴/۳۱
گویان	۳/۷	۳/۳۸	۳/۴	۳/۵۵	۳/۳	۳/۳۵	۳/۳۵	۳/۲۳	۳/۳۳	۳/۴۱
اندونزی	۳/۵۳	۳	۳/۰۵	۳	۳/۱۴	۳/۵۵	۳/۶۵	۳/۴۹	۳/۴۲	۳/۳
ایران	-	۴/۷۹	۴/۸	۴/۷۱	۴/۵۱	۴/۶۹	۴/۸۴	۴/۶۳	۴/۶۹	۴/۷۱
عراق	-	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۸۵	۴/۹	۴/۹	۵	۴/۹۲	۴/۸۹
اردن	۲/۹۱	۳/۱۵	۲/۸۵	۲/۹۴	۲/۹۱	۲/۶۵	۲/۸	۲/۷۳	۲/۸۴	۲/۹۱
قزاقستان	-	-	-	-	۴/۱۴	۳/۶۵	-	۳/۶۵	۳/۸۳	۳/۹۱
کویت	-	۲/۵۵	۲/۴۴	۲/۵۵	۲/۴۵	۲/۵	۲/۵۳	۲/۶۶	۲/۵۶	۲/۵۳
قرقیزستان	-	-	-	-	۳/۶۸	-	-	-	-	۳/۶۸
لبنان	-	۲/۹۱	۲/۷۳	۳/۰۶	۳/۰۳	۳/۰۶	۲/۷	۳/۰۱	۲/۹۴	۲/۹۳
لیبی	-	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۹۵	۴/۸۵	۴/۹	۴/۶	۴/۸	۴/۸۸
مالزی	۲/۵	۲/۶۸	۲/۸	۲/۵۹	۲/۶۴	۲/۸۱	۳	۳/۱۸	۲/۹۳	۲/۷۷
مالی	۳/۴۸	۳/۳۹	۳/۴۵	۳/۲۸	۳/۱۹	۳/۰۸	۳/۱۵	۳/۱	۳/۱۶	۳/۲۶
موریتانی	-	۳/۸۸	۴/۰۳	۳/۹۶	۴	۴	۳/۸۹	۳/۴۶	۳/۷۹	۳/۸۹
مراکش	۳/۰۳	۲/۹۴	۳/۰۵	۳/۰۳	۲/۹	۳/۰۵	۲/۸	۳/۱	۳/۹۹	۲/۹۹
موزامبیک	۴/۳۴	۴/۰۶	۴/۱۵	۴/۱۵	۳/۹۵	۳/۹۴	۳/۳۵	۳/۲	۳/۶	۳/۸۹
نیجر	-	۴/۲	۴/۱۹	۴/۰۱	۳/۹۱	۴/۰۹	۳/۷۸	۳/۷۴	۳/۸۸	۳/۹۹

۳/۴۵	۳/۵۳	۳/۷۴	۳/۴۹	۳/۳۴	۳/۴	۳/۴	۳/۴۳	۳/۴۸	۳/۳۸	نیجریه
۲/۷۹	۲/۸	-	-	-	۲/۸۵	۲/۷۴	۲/۷۹	۲/۸۵	۲/۷	عمان
۳/۴	۳/۴۶	۳/۴۹	۳/۵	۳/۵	۳/۵	۳/۳۱	۳/۲۹	۳/۲۶	۳/۳۴	پاکستان
۳/۱	۳/۱	۳/۰۸	۳/۱۳	۳/۱۳	۳/۰۶	-	-	-	-	قطر
۳/۱۲	۳/۱۸	۳/۱۶	۳/۳۵	۳/۲	۳/۱۶	۲/۹۴	۳	۳	-	عربستان سعودی
۳/۴۷	۳/۴۱	۳/۴۵	۳/۳۳	۳/۲۹	۳/۳۶	۳/۴۶	۳/۶۴	۳/۷۶	-	سنگال
۳/۸۵	-	-	۴/۰۹	۴/۰۱	۳/۷	۳/۷۹	۳/۶۵	۳/۸۵	۳/۸۵	سیرالئون
۴/۷	-	-	۴/۸	۴/۷۵	۴/۶۵	۴/۶۵	۴/۶۵	۴/۶۵	-	سومالی
۴/۴	-	-	۴/۰۵	۴/۳۹	۴/۲۹	۴/۳	۴/۱	۴/۱	۴/۳	سودان
۴/۰۳	۴	۳/۹۸	۳/۹۸	۳/۹۸	۴/۰۸	۴/۱	۴	۴/۱	-	سورینام
۴/۰۷	۴/۰۶	۴/۱۱	۴	۴/۰۵	۴/۰۴	۴/۰۱	۴/۱۴	۴/۱۵	-	سوریه
۴/۱۸	۴/۱۷	۴/۱۴	۴/۱۶	۴/۱۶	۴/۱۵	۴/۳	-	-	-	تاجیکستان
۴/۰۲	۳/۹۸	۳/۸۸	۴	۴/۰۵	۴/۱۴	-	-	-	-	توگو
۲/۹۱	۲/۹۲	۲/۸۹	۲/۹۹	۲/۹۴	۲/۹۶	۲/۹	۲/۸۹	۲/۸۳	۲/۹۳	تونس
۲/۸۲	۲/۷۸	-	-	-	۲/۸	۲/۶۶	۲/۷۵	۲/۹۵	۲/۹۵	ترکیه
۴/۴۱	۴/۴	۴/۳۹	۴/۳۹	۴/۴	۴/۳۹	۴/۵	-	-	-	ترکمنستان
۲/۸۳	۲/۷۱	-	-	-	۲/۶۴	۲/۶۴	۲/۸	۲/۹۴	۳/۱۵	اوگاندا
۲/۳۳	۲/۳	۲/۳۳	۲/۲۱	۲/۲۵	۲/۳۵	۲/۳	۲/۴	۲/۴۵	-	امارات
۴/۵۳	۴/۴۸	۴/۳۴	۴/۵۶	۴/۵۱	۴/۵۹	۴/۶۳	-	-	-	ازبکستان
۳/۹۳	۳/۹۲	۳/۷۹	۳/۹۸	۳/۹۴	۴/۱۴	۴/۱۵	۳/۹	۳/۸۳	۳/۷۴	یمن

ماخذ: بنیاد هریتیج (۲۰۰۶) و محاسبات تحقیق

چنانچه پیشتر ذکر گردید، بلوک‌بندی پیشنهادی بر اساس هم‌جواری و هم‌مرزی جغرافیایی بنا نهاده شده است. به این ترتیب با طرح این بلوک‌بندی باید بتوان شواهدی اقتصادی که حکایت از قابلیت قرارگیری کشورهای داخلی هر بلوک پیشنهادی در کنار یکدیگر باشند ارائه نمود. بدیهی است متغیرها و عناصر بسیار متعددی را می‌توان به عنوان معیاری برای ارزیابی پیشنهادی فوق ارائه کرد. به طوری که پی‌جویی شباهتهای ساختاری در اقتصاد کشورهای داخل هر بلوک در این مسیر راهگشا خواهد بود.

طی دهه‌های اخیر سمت‌گیری اقتصاد کشورهای مختلف به سوی کاهش قواعد و مقررات و آزادسازی اقتصادی به مثابه یک ارزش اقتصادی شناخته شده است، و دولت‌ها می‌کوشند به دلایل گوناگون ساختار اقتصادهای خود را به سوی آزادی اقتصادی و کاستن از دخالت‌های خود هدایت کنند.

در عمل، شاخص آزادی اقتصادی به ترتیبی که ذکر آن رفت به عنوان معیاری در جهت تطابق و سازگاری اقتصادهایی که در داخل هر بلوک قرار می‌گیرند، استفاده می‌شود.

در جدول شماره (۲) اطلاعات مربوط به درجه آزادی اقتصادی را برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قالب بلوک‌بندی پیشنهادی طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۲ به صورت میانگین آمده است. در این جدول همچنین میانگین، انحراف معیار و شاخص ضریب تغییرات ارائه شده است.

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار و ضریب تشخیص شاخص آزادی اقتصادی در بلوک‌های پیشنهادی

بلوک بندی	کل کشورهای اسلامی	عربی شمال افریقا	افریقایی غیرعربی	خاورمیانه عربی	خاورمیانه غیرعربی	آسیای میانه و قفقاز	سایر
میانگین	۳/۵۹	۳/۵۵	۳/۷	۳/۱۳	۳/۶۴	۴/۱۵	۳/۶۶
انحراف معیار	۰/۶۶	۰/۷۹	۰/۴۴	۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۳۱	۰/۳۲
ضریب تغییرات	۰/۰۱۸	۰/۰۲۲	۰/۰۱۱	۰/۰۲۷	۰/۰۲۶	۰/۰۷	۰/۰۸

ماخذ: محاسبات تحقیق

میانگین شاخص آزادی اقتصادی برای کل کشورهای اسلامی طی دوره معادل ۳/۵۹ و شاخص ضریب تغییرات معادل ۰/۱۸ است. در مقام مقایسه شاخص ضریب تغییرات برای مناطق افریقایی غیرعربی، گروه سایر کشورها (سورینام، گویان و آلبانی) و آسیای میانه کمتر از معیار کل کشورهای اسلامی است. برای درک علت این تفاوت‌ها به خصوص در مورد گروه‌هایی که معیار ضریب تغییرات آنها بالاتر از کل کشورهای اسلامی است، باید نگاهی عمیق‌تر به درون این بلوک‌بندی‌ها داشت. در درون بلوک کشورهای عربی شمال افریقا، وضعیت جماهیری عربی لیبی متفاوت است. زیرا این کشور با توجه به شرایط خاص نظام سیاسی حاکم در سمت‌گیری‌های اقتصادی نیز کمترین حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی را داشته است. میانگین منطقه شمال افریقا ۳/۵۵ است، زیرا تعداد محدود کشورهای این بلوک افزایش ضریب تغییرات منطقه را از کل کشورهای اسلامی باید به حضور لیبی در این بلوک مرتبط دانست. توجه به این نکته ضروری است که میانگین منطقه به جز لیبی معادل ۳/۲۱ و انحراف معیار آن برابر ۰/۳۱ و بالاخره ضریب تغییرات آن برابر ۰/۰۹ است که کمتر از میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات کل کشورهای اسلامی است.

در بلوک خاور میانه عربی طی دوره مورد بررسی میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات بلوک به ترتیب معادل ۳/۱۳، ۰/۸۵ و ۰/۲۷ بوده است. در این منطقه شرایط کشورهای عراق و تا حدودی سوریه را مشابه وضعیت لیبی در منطقه شمال افریقا می‌توان ارزیابی نمود. در این دوران

هنوز حکومت صدام بر عراق حاکمیت داشته و جهت گیری‌های اقتصادی هم در عراق و هم در سوریه به سوی آزاد سازی و کاهش دخالت دولت در اقتصاد نیستند. با جداسازی اطلاعات این دو کشور از منطقه خاورمیانه عربی مشاهده می‌شود که میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به ترتیب معادل ۲/۸۳، ۰/۵۶ و ۰/۲۰ می‌رسد. وضعیت خاص کشور بحرین نیز باید در این بلوک مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی در حالی که شاخص آزاد سازی اقتصادی در عراق و سوریه به ترتیب ۴/۸۸ (بزرگترین شاخص در کل کشورهای اسلامی) و ۴/۰۷ است شاخص مذکور برای کشور بحرین معادل ۱/۹ است که کمترین رقم در کل کشورهای اسلامی است که ناشی از بهبود ساختار اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در این کشور است. در واقع در این بلوک بیشترین و کمترین ارقام شاخص آزادی اقتصادی جای گرفته‌اند. با جداسازی اطلاعات بحرین هم از داخل این بلوک، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات شاخص آزادی اقتصادی در داخل بلوک به ترتیب معادل ۲/۹۵، ۰/۴۷ و ۰/۱۶ بدست می‌آید. به این ترتیب با توجه به شرایط عمومی بلوک همگنی این شاخص میان شرایط کل بلوک (با کنار گذاشتن موارد خاصی که ذکر شد) و کل کشورهای اسلامی وجود دارد.

در بلوک کشورهای خاورمیانه غیرعربی جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این بلوک نیز مشاهده می‌شود که شرایط عمومی بلوک از میانگین کل کشورهای اسلامی تا حدودی متمایز است. دلیل این تمایز شرایط متفاوت اقتصادی است که قابل انکار نیست، لکن می‌توان این سؤال را مطرح کرد که با وجود چنین میانگینی چرا این کشورها در یک بلوک جای گرفته‌اند؟ سه دلیل ساده می‌توان برای این مسأله ذکر کرد. دلیل نخست را باید در هم‌مرزی آنها از نظر جغرافیایی دانست که یکی از معیارهای بلوک‌بندی کشورها در این مطالعه است. دلیل دوم به بنیان‌گذاری و حضور این کشورها طی چهار دهه اخیر در پیمان‌های اقتصادی سابقه‌داری چون سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)^۱ مربوط است. سرانجام دلیل سوم را باید در تمایز هر سه این کشورها با دو بلوک مجاور یکی در شمال یعنی بلوک آسیای میانه و قفقاز و دیگری در جنوب غرب آنها یعنی بلوک خاورمیانه عربی جست‌وجو نمود.

اینک مسأله حضور کشورهای جماهیری لیبی در بلوک عربی شمال آفریقا و بحرین، عراق و لیبی در بلوک خاورمیانه عربی مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به این نکته ضروری است که داده‌های شاخص آزادی اقتصادی به دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۲ مربوط است و طی سال‌های پس از آن

۱. سازمان همکاری اقتصادی (اگو) ابتدا تحت عنوان سازمان همکاری منطقه‌ای نامیده می‌شد که دارای سه عضو اصلی ایران، ترکیه و پاکستان بود.

هر سه کشور لیبی، عراق و سوریه شاهد تحولات سیاسی و اقتصادی مهمی بوده‌اند. لیبی با تحولات در روابط خارجی خود به نظر می‌رسد که در حال باز کردن فضای اقتصادی خود باشد. این تحول پس از پذیرش مسئولیت بمب‌گذاری در هواپیمای منفجر شده بر فراز لاکربی اسکاتلند با باز نمودن تاسیسات هسته‌ای کشور و دست کشیدن از برنامه اتمی آن ادامه یافت. به این ترتیب تحریم‌های اقتصادی وضع شده از سوی جامعه جهانی رو به کاهش گذاشت و زمینه را برای باز شدن فضای اقتصاد و تجارت فراهم می‌نماید. عراق نیز در آن زمان همچنان تحت حاکمیت صدام حسین قرار داشت. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۲ و با ایجاد ثبات سیاسی شرایط باز شدن و آزادسازی اقتصادی در آن در حال تسهیل است.

به این ترتیب با نوعی همگنی از نظر شاخص آزاد سازی اقتصادی در بلوک‌های مختلف و تطابق آن میانگین کلی کشورهای اسلامی مواجه هستیم که منطقاً بلوک‌بندی پیشنهادی را توجیه پذیر می‌نماید.

هم‌جواری و شاخص تشابه تجاری بخش کشاورزی در بین کشورها OIC

شاخص تشابه اقتصادی با معیارهای مختلفی اندازه‌گیری می‌شود. معیار مورد استفاده جهت اندازه‌گیری تشابه تجاری در این مقاله معیار کسینوس است که اولین بار توسط الن در سال ۱۹۵۷ مطرح شد. این معیار بر اساس کسینوس زاویه دو بردار صادرات و واردات در کشور اندازه‌گیری می‌شود. در این شاخص X_{ijk} جریان تجاری کالای k از کشور i به کشور j را نشان می‌دهد. اگر بر اساس اندیس زنماد فوق جمع زده شود، آن‌گاه مجموع صادرات کالای k از کشور i به کل جهان به دست می‌آید. $(\sum_{j=1}^m X_{ijk} = X_{ik})$. به همین ترتیب اگر بر اساس اندیس i نماد M_{ijk} فوق جمع زده شود کل مجموع صادرات کشورهای جهان در گروه کالای k به کشور j محاسبه شود، به عبارتی کل واردات کشور j از جهان برای کالای k به دست می‌آید $(\sum_{i=1}^n M_{ijk} = M_{jk})$ (بردار صادرات کشور i ترکیبی از m قلم کالا است و به همین صورت بردار واردات کشور j نیز شامل n قلم کالا است. با تعیین زاویه دو بردار در فضای کالا n بعدی می‌توان این دو بردار را با هم مقایسه نمود. زاویه کوچک نشان می‌دهد که ترکیب کالایی صادرات کشور i (به تمام دنیا) شبیه به ترکیب کالایی واردات کشور j است.

زاویه بزرگ نشان دهنده عدم تشابه در ساختار وارداتی و صادراتی دو کشور می‌باشد. این

معیار توسط فرمول زیر که بیانگر شاخص کسینوس تجاری است، محاسبه می‌شود.

$$\text{COS}_{ij} = \frac{\sum_{k=1} X_{ik} \times M_{jk}}{\sqrt{\sum_{k=1} X_{ik}^2 \times \sum_{k=1} M_{jk}^2}} \quad (1)$$

مقدار این شاخص بین یک تا صفر قرار می‌گیرد، به طوری که عدد یک نشانگر تشابه و تطابق کامل ساختار صادراتی یک کشور با ساختار وارداتی کشور دیگر است. عدد صفر عدم انطباق در تجارت را نشان می‌دهد. هر کشور دارای دو بردار وارداتی و صادراتی است. بنابراین شاخص فوق را برای هر زوج کشور در چهار حالت می‌توان محاسبه نمود. حالت اول زاویه بردار صادراتی کشور (الف) و بردار وارداتی کشور (ب)، حالت دوم زاویه بردار وارداتی کشور (الف) و بردار صادراتی کشور (ب)، حالت سوم زاویه بردار صادراتی دو کشور (الف) و (ب) و در نهایت حالت چهارم زاویه دو بردار وارداتی دو کشور است. از حالت‌های ذکر شده سه حالت نخست برای اندازه‌گیری معیار تشابه تجاری کشورهای OIC مدنظر است. به عبارت دیگر از این طریق می‌توان درجه تطابق در ساختار صادراتی و یا وارداتی یک کشور با سایر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را برای بلوک‌بندی کشورها ارزیابی نمود. این بلوک‌بندی‌ها می‌تواند بر اساس تطابق روابط تجاری شکل گیرد و به صورت یک بلوک تأمین‌کننده نیازهای اعضا و یا یک بلوک صادرکننده محصولات کشاورزی مطرح شود. در برخی از موارد یک بلوک اقتصادی می‌تواند به‌عنوان یک صادرکننده بزرگ کالاهای مختلف معرفی شود، در این حالت روابط تجاری خارج از بلوک شکل می‌گیرد. کشورهای عضو بلوک به‌صورت متحد، قدرت چانه‌زنی خود را در مقابل شرکای تجاری خارج از بلوک در قالب بازاری تقریباً انحصاری افزایش خواهند داد. به طوری که به‌عنوان یک تولیدکننده بزرگ در درون بازار مشترک اسلامی می‌توانند بر قراردادهای و قیمت فروش محصولات در بازار جهانی اثرگذار باشند. بدین ترتیب منافع بیشتری ناشی از همکاری در یک بلوک صادراتی برای هر کشور به‌دست خواهد آمد. جهت دست‌یابی به دو موضوع فوق معیار دو کسینوسی برای تطابق واردات و صادرات کشورها و همچنین انطباق صادرات یک کشور با صادرات کشور دیگری در قالب دو ماتریس تشابه (واردات - صادرات) و (صادرات - صادرات) محاسبه شده است. این دو ماتریس در ابعاد ۴۵×۴۵ ظاهر می‌شود که خلاصه‌ای از آنها در قالب میانگین بلوک‌ها معرفی شده در جدول شماره (۳) گزارش شده است.

ارزیابی معیار تشابه تجاری کشاورزی در بلوک‌بندی پیشنهادی

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به لحاظ توزیع جغرافیایی دارای آب و هوای

متفاوتی است که زمینه تولید کالاهای مختلف کشاورزی را فراهم آورده است. بعضی از کشورها در بخش کشاورزی ضعیف بوده و برخی دیگر دارای بخش کشاورزی قوی هستند. همکاری کشورها در یک بلوک می‌تواند زمینه روابط درون و یا برون بلوکی را پایه ریزی نماید. برای محاسبه این شاخص از آمار تجارت خارجی در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ در یک کدهشت رقمی استفاده شده به گونه‌ای که بیش از ۴۰۰ نوع کالاهای کشاورزی زراعی و باغی در ۲۴ دسته کلی محصولات کشاورزی برای این منظور استفاده شده است. منبع داده‌ها لوح فشرده PC-TAS مربوط به سال ۲۰۰۴ است. در جدول زیر معیار تشابه تجاری با استفاده از شاخص تشابه در دو بخش (واردات - صادرات) و (صادرات - صادرات) برای بلوک‌های پیشنهادی کشورهای OIC آمده است.

جدول (۳) معیار تشابه صادراتی و وارداتی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در

دوره ۱۹۹۵ - ۲۰۰۴

نام بلوک	معیار تشابه صادرات - صادرات			معیار تشابه صادرات - صادرات		
	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییر
جنوب شرقی آسیا	۰/۱۵۸	۰/۲۵۳	٪۱۵۹	۰/۳۵۰۵	۰/۱۳۹۱	٪۴۰
آسیای میانه و قفقاز	۰/۵۴	۰/۲۵۶	٪۴۷	۰/۱۳۸۶	۰/۱۰۷۹	٪۷۷
خاورمیانه عربی	۰/۲۴	۰/۱۷۸	٪۷۴	۰/۴۳۱۹	۰/۱۸۰۸	٪۴۱
خاورمیانه غیر عربی	۰/۳۵۴	۰/۲۲۴	٪۶۳	۰/۲۰۳	۰/۱۷۱۹	٪۸۴
عربی شمال افریقا	۰/۲۹۱	۰/۱۵۸	٪۵۴	۰/۳۲	۰/۱۷۹۸	٪۵۶
افریقایی غیر عربی	۰/۱۹۸	۰/۰۲۵۷	٪۷۷	۰/۱۸۷	۰/۱۴۷	٪۷۹
سایر	۰/۰۹۴	۰/۱۵۱	٪۱۶۱	۰/۲۱۴	۰/۱۸۶	٪۸۷
کل کشورهای اسلامی	۰/۲۲۶	۰/۲۵۶	٪۱۱۳	۰/۲۲۸	۰/۱۷	٪۷۶

ماخذ: محاسبات تحقیق

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین معیار کسینوس برای بلوک‌بندی کشورها بر اساس هم‌جواری آنها بسیار متنوع است. در بلوک جنوب شرقی آسیا تشابه روابط تجاری در صادرات کشورهای عضو در مقابل واردات همین کشورها قوی‌تر از تشابه صادراتی آنهاست. به عبارت دیگر روابط تجاری درون‌بلوکی در میان کشورهای تشکیل دهنده این بلوک تشابه بیشتری را نسبت به صادرات برون‌بلوکی نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به شاخص‌های آماری در این بلوک، تجارت در بین کشورها سازگارتر خواهد بود. بلوک آسیای میانه می‌تواند به عنوان یک بلوک

صادرکننده محصولات کشاورزی مطرح شود. اگرچه پتانسیل صادراتی این کشورها با یکدیگر متفاوت است. معیار تشابه صادرات - صادرات نشان دهنده تشابه اقلام صادراتی این کشورها در بخش کشاورزی است، که البته قوی تر است. در بین کشورهای این بلوک است. همسایگی این کشورها با دریای خزر و شرایط آب و هوای تقریباً یکسان و ساختار اقتصادی مشابه علت تشابه صادراتی این کشورهاست.

کشورهای بلوک خاورمیانه عربی تنوع زیادی از جهت آب و هوا، خاک و پتانسیل کشاورزی دارند. به گونه‌ای که در برخی از این کشورها امکان کشاورزی وجود نداشته و کالاهای کشاورزی این کشورها وارداتی است و بعضی دیگر صادرکننده این محصولات هستند. بر اساس معیار کسینوس تشابه در بردار صادرات و واردات کشورهای این بلوک قوی تر از بردارهای صادراتی آنهاست. به عبارت دیگر این بلوک نیز دارای روابط و تشابه تجاری درون بلوکی بیشتری است. در مورد کشورهای خاورمیانه غیرعربی روابط برون بلوکی مهمتر از روابط بین کشورهای عضو می باشد. بنابراین شدت روابط صادراتی بین کشورها با سایر مناطق جهان در کالاهای کشاورزی است. دلیل چنین وضعیتی که به طور خاص در بین تمام بلوک‌ها به وجود آمده پتانسیل کشاورزی بالا در این کشورها و وجود روابط تجاری قوی در بین آنها و موقعیت جغرافیایی خاص از حیث حمل و نقل است.

کشورهای عربی شمال آفریقا می توانند دارای روابط درون و برون بلوکی باشند. یعنی ساختار وارداتی و صادراتی این کشورها به آنها اجازه می دهد هم به عنوان یک بلوک صادرکننده محصولات کشاورزی عمل نموده و هم روابط تجاری متقابل درون بلوکی را به اجرا گذارند. بلوک اقتصادی آفریقای غیرعربی نیز دارای همین وضعیت است و این کشورها از جهت روابط تجاری شبیه به شمال آفریقا هستند. بدین ترتیب کشورهای قاره آفریقا در بین سایر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارند، تشابه آنها به دلیل ضعف اقتصادی کشورهای آفریقای است.

در مجموع می توان گفت در صورتی که بلوک‌های اشاره شده به عنوان صادرکننده محصولات کشاورزی مطرح شوند، بلوک‌های آسیای میانه، خاورمیانه غیرعربی و شمال آفریقا دارای تشابه بیشتری نسبت به کل کشورهای عضو سازمان بوده و می توانند صادرکننده برخی از کالاهای کشاورزی متناسب با ترکیب صادراتی خود باشند. از طرف دیگر، بلوک‌های جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه عربی و تا حدودی شمال آفریقا به نسبت سایر بلوک‌ها دارای روابط تجاری درون بلوکی قوی تر هستند و زمینه لازم بین کشورهای این بلوک‌ها برای ایجاد روابط تجاری در کالاهای کشاورزی وجود دارد.

در نهایت تقسیم‌بندی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قالب بلوک‌های مختلف

سبب افزایش درجه تشابه تجاری در بین آنها شده است. البته می‌توان در قالب سناریوهای مختلف، سرعت شکل‌گیری بلوک‌ها و شدت تشابه بلوک‌بندی کشورهای اسلامی در محصولات کشاورزی را ارزیابی نمود.

هم‌جواری و ساختار اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

ساختار اقتصادی کشورهای تشکیل‌دهنده یک بلوک اقتصادی - سیاسی و تجاری اهمیت بسیاری در بلوک‌بندی تجاری دارد، به گونه‌ای که روابط بین آنها را در طول زمان تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر درجه ثبات پیمان‌های منطقه‌ای اثر گذار است. به همین منظور جهت بررسی ساختار اقتصادی کشورها شاخص‌های مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر چه بعضی از شاخص‌های اقتصادی در معیار آزادی اقتصادی لحاظ شده است. بنابراین آن دسته از شاخص‌ها مدنظر خواهد بود که در معیار آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار نگرفته است. شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی در بین کشورهای OIC شامل: تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه جاری، درآمد سرانه به قیمت ثابت، رشد درآمد سرانه به قیمت ثابت، درجه باز بودن اقتصاد (مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص ملی) و نسبت تولید بخش کشاورزی به تولید ناخالص ملی است. هر کدام از شاخص‌های فوق جلوه‌ای از نمای اقتصادی یک کشور را به نمایش می‌گذارد. به عنوان مثال تولید ناخالص ملی اندازه بازار را نشان می‌دهد و درآمد سرانه قدرت خرید در آن بازار را مشخص می‌کند. از آن جایی که بخش کشاورزی جایگاهی ویژه در این مقاله دارد، نسبت تولید بخش کشاورزی به تولید ملی یکی از شاخص‌های انتخابی است. شاخص‌های اشاره شده در بالا، دارای پراکندگی زیادی در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند که نشان از تفاوت در ساختار اقتصادی آنهاست. اطلاعات شاخص‌های اقتصادی کشور در طول دوره ۲۰۰۳-۹۹۵ بوده و به صورت متوسط برای دوره ذکر شده مورد استفاده قرار گرفته است. در جدول (۴) میانگین و انحراف معیار شاخص‌های اقتصادی کشورهای OIC آمده است.

جدول (۴) میانگین و انحراف معیار شاخص‌های اقتصادی کل کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

شاخص	تولید ناخالص ملی (میلیون دلار)	رشد درآمد سرانه ثابت (درصد)	درآمد سرانه ثابت سال ۲۰۰۰ (دلار)	رشد درآمد سرانه جاری	درجه باز بودن اقتصاد	سهم کشاورزی در GDP
میانگین	۲۶۵۷/۲	۶/۸۷	۲۲۱۳	۸/۶۲	۶۲٪	۲۵/۵۷٪
انحراف معیار	۴۴۶۳۷	۲/۴۶	۴۱۳۲	۲/۸	۳۶/۷	۱۳/۹۵
ضریب تغییر	۱۶۸٪	۳۵٪	۱۸۶٪	۳۳٪	۳۵٪	۵۴٪

ماخذ: محاسبات تحقیق و سایت سازمان کنفرانس اسلامی www.oic-oci.org

همان گونه که ملاحظه می شود انحراف معیار شاخص ها دارای مقادیر نسبتاً بزرگی است که البته نشانگر پراکندگی در ساختار اقتصادی کشورهاست. بیشترین انحراف مربوط به تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه است که ناشی از تفاوت ساختاری در کشورهاست. در صورتی که بلوک بندی هم جواری اشاره شده در قسمت قبل را ملاک تقسیم بندی کشورها قرار دهیم، درجه عدم همگنی اقتصادی کشورها کاهش خواهد یافت. در جدول (۵) ضریب تغییر بلوک های پیشنهادی در قالب شاخصهای اقتصادی آمده است.

جدول (۵) ضریب تغییر شاخص های اقتصادی در بلوک های اقتصادی پیشنهادی

شاخص	تولید ناخالص ملی (میلیون دلار)	رشد درآمد سرانه ثابت (درصد)	درآمد سرانه ثابت سال ۲۰۰۰ (دلار)	رشد درآمد سرانه جاری	درجه باز بودن اقتصاد	سهم کشاورزی در GDP
جنوب شرقی آسیا	٪۹۱	٪۲۶	٪۸۸	٪۲۴	٪۷۴	٪۴۱
آسیای میانه و قفقاز	٪۱۰۶	٪۳۰	٪۱۲۲	٪۲۲	٪۳۹	٪۴۲
خاورمیانه عربی	٪۱۵۱	٪۱۷	٪۱۵۰	٪۲۰	٪۱۸	٪۷۱
خاورمیانه غیر عربی	٪۸۴	٪۱۲	٪۳۹	٪۱۴	٪۲۱	٪۶۹
عربی شمال افریقا	٪۵۹	٪۱۱	٪۱۵۱	٪۹	٪۵۰	٪۲۱
افریقایی غیر عربی	٪۱۶۵	٪۳۹	٪۱۶۶	٪۳۲	٪۴۰	٪۴۰
سایر	٪۹۵	٪۳۶	٪۴۲	٪۲۵	٪۶۶	٪۴۸
کل کشورهای اسلامی	٪۱۶۸	٪۳۵	٪۱۸۶	٪۳۳	٪۵۹	٪۵۴

با توجه به ضریب تغییر در بلوک ها تقسیم بندی فوق دارای پراکندگی کمتری نسبت به مجموعه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی است. البته بلوک خاورمیانه عربی به لحاظ حضور کشورهای نفت خیز دارای پراکندگی بیشتری است که ناشی از درآمدهای بسیار زیاد نفتی است. کشورهای آسیای میانه و افریقایی غیر عربی نیز دارای پراکندگی ساختار اقتصادی هستند که دلیل آن وجود کشورهای نفت خیز مانند آذربایجان و تفاوت در اندازه اقتصادی، سیاسی این کشورهاست. در مجموع همان طور که ملاحظه می شود در تقسیمات بلوکی کشورها درجه ناهمگنی کاهش یافته است که موجب افزایش هم گرایی منطقه ای و ثبات پیمانها در میان کشورهای عضو بلوک خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه نشان داده شد که تشکیل زیر بلوک‌های یکپارچه در بین کشورهای اسلامی بر اساس معیار هم‌جواری امکان‌پذیر است. کاهش ناهمگنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بین کشورهای اسلامی به واسطه تعمیق هم‌جواری است که عوامل متعددی از جمله هم‌مرزی، هم‌نژادی، تشابه فرهنگی - سیاسی، معیارهای تشکیل‌دهنده آزادی اقتصادی و تشابه تجاری در آن تاثیرگذار است. همچنین بلوک‌بندی در همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای عضو OIC در محصولات کشاورزی قابل تجارت، علی‌رغم تفاوت عمیق در ساختار اقتصادی و ناچیز بودن شدت تشابه تجاری در بین آنها، امکان‌پذیر است. به‌علاوه، یافته‌های تحقیق نشان از کاهش ناهمگنی در ساختار اقتصادی کشورهای عضو در این بلوک‌ها دارد، چنانچه کشورها در قالب زیر بلوک‌های موثر به‌ویژه هم‌مرز تقسیم‌بندی شوند، اثر این نوع بلوک‌بندی، شدت تشابه اقتصادی در جهت تشکیل یک بلوک متمرکز را افزایش می‌دهد، اگرچه تشکیل بازار مشترک اسلامی به صورت فراگیر هنوز با عضویت کلیه کشورهای کوچک و بزرگ اسلامی در OIC مقدور نباشد. تعمیق یکپارچگی زیربلوک‌های موجود و برخورداری از پتانسیل استقرار زیربلوک‌های پیشرفته‌تر، در قالب سناریوی پیش‌روی کشورها، توان مبادله‌ای درون بلوکی را در اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش می‌دهد. در عمل، یکپارچگی در تجارت محصولات کشاورزی می‌تواند خمیرمایه همکاری‌های همه‌جانبه اعم از ادغام‌های منطقه‌ای تجاری - اقتصادی و همگرایی بخشهای واقعی، تولیدی، پولی و مالی در بین کشورهای OIC در راستای تشکیل بازار مشترک اسلامی باشد.

منابع

- هلم، رابرت (۱۳۷۰)، تجارت بین‌الملل (نظریه و شواهد تجربی)، ترجمه ملک آفاق فتحیان پورکندلزی و معصومه نوژاد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۸)، بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی بر اساس آزمون علی‌گرینجر، مجله برنامه و بودجه، ۴۶ و ۴۷.
- فرهمنند، شکوفه (۱۳۸۰)، هم‌گرایی اقتصادی و تاثیر سرریزهای منطقه‌ای بر رشد درآمد سرانه (مورد کشورهای OIC)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

Ahmed, A. Zeinelabdin and I. Ugurel (۱۹۹۶), **The Islamic Common Market: Is it Economically and Politically Justifiable?**, Paper Presented at the Second International Conference on Islamic Political Economy, held on December ۱۰-۱۱, ۱۹۹۶ at Penang,

Malaysia.

Ali, A. Nawajish (۱۹۹۳), **Proposed Strategy for an Islamic Common Market**, in Towards an Islamic Common Market, Proceedings of the International Seminar on Islamic Common Market, held on December ۱۸-۲۰, ۱۹۹۳ in Dhaka, Bangladesh.

Al-Salman, M. (۲۰۰۰), **Islamic Regional Economic Integration: Challenges and Opportunities**, Preliminary Proceeding of the International Seminar on Ways and Means to Establish Islamic Common Market, Tehran, The Institute for Trade Studies and Research.

Chapra, M.U. (۱۹۹۳), **Islam and Economic Development**, The International Institution of Islamic Thought, Islamabad, Pakistan.

Cindoruk, S. (۱۹۹۲), **Economic Cooperation among OIC Countries and the Islamic Common Market**, *Journal of Economic Cooperation among Islamic Countries*, Vol. ۱۳, No. ۱-۲, January/April, ۱-۱۸.

Gurler, D. (۲۰۰۰), **Role and Function of Regional Block and Arrangement in the Formation of Islamic Market**, Preliminary Proceeding of the International Seminar on Way and Means to Establish Islamic Common Market, Tehran, The Institute for Trade Studies and Research.

IMF (۲۰۰۱), **Direction of Trade Statistics Quarterly**, Washington, D.C., USA.

IMF (۱۹۹۹ and ۲۰۰۱), **World Economic Outlook**, Washington, D.C., USA.

Kabir Hassan, M. (۲۰۰۱), **Is SAARC a Viable Economic Block? Evidence from Gravity Model**, *Journal of Asian Economics* ۱۲ (۲), ۲۶۳-۹۰.

Kabir Hassan, M. (۲۰۰۲), **An Empirical Investigation of Economic Cooperation Among the OIC Member Countries**, University of New Orleans.

Kabir Hassan, M. & M. Faridul Islam (۲۰۰۱), **Prospect and Problems of a Common Market: An Empirical Examination of the OIC Countries**, *American Journal of Islamic Social Sciences*. Volume ۱۸, Fall ۲۰۰۱, No. ۴, ۱۹-۴۶.

Organization of Islamic Conference, www.oic-oci.org

Tayyebi, S. K. and M. Moallemi (۲۰۰۳), **Possibility of Trade International among Selected Islamic Countries**, *Iranian Economic Review*, Vol. ۸, No. ۹, ۹۱-۱۰۵

The Heritage Foundation (۲۰۰۶), **۲۰۰۶ Index of Economic Freedom**, *The Wall Street Journal*.

The United Nations (۲۰۰۰), Trade Database.

UNCTAD (۱۹۹۵ & ۲۰۰۴), World Trade Statistics PC-TAC CD-ROM.

World Bank (۲۰۰۵) **World Table Indicators**, CD-RAM ۲۰۰۵.

WTO (۲۰۰۰), **Annual Report ۲۰۰۰**, WTO Publications, Geneva.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(پیوستها)

بلوک‌های منطقه‌ای در بین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی

ردیف	نام بلوک یا پیمان	تعداد اعضا	شکل هم‌گرایی
۱	اتحادیه مغرب عربی	۵	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۲	شورای اتحادیه اقتصادی عربی	۱۲	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۳	شواری همکاری خلیج فارس	۶	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۴	سازمان همکاری اقتصادی (اگو)	۱۰	منطقه تجاری ترجیحی

ماخذ: SESRTCIC, ۲۰۰۰



بلوک‌های منطقه‌ای اعضای سازمان کنفرانس اسلامی با سایر کشورهای غیر عضو

ردیف	نام بلوک یا پیمان	تعداد اعضا	تعداد اعضا OIC	شکل هم‌گرایی
۱	جامعه اقتصادی افریقا	۵۲	۲۵	مرحله ۱: منطقه آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه گمرکی مرحله ۳: بازار مشترک مرحله ۴: اتحادیه پولی و اقتصادی
۲	اتحادیه اقتصادی و گمرکی افریقایی	۶	۳	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک مرحله ۳: اتحادیه پولی و اقتصادی
۳	بازار مشترک جنوبی و شرقی افریقا	۲۱	۵	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک مرحله ۳: اتحادیه پولی
۴	(CBI) جنبش فرامرزی	۱۴	۲	ناحیه آزاد تجاری
۵	جامعه اقتصادی ایالات افریقای مرکزی	۱۱	۳	مرحله ۱: اتحادیه گمرکی مرحله ۲: بازار مشترک
۶	کمیسیون اقیانوس هند	۵	۱	ناحیه تجاری ترجیحی
۷	اتحادیه منوربور	۳	۲	اتحادیه گمرکی
۸	اتحادیه پولی و اقتصادی افریقای غربی	۷	۶	مرحله ۱: بازار مشترک مرحله ۲: اتحادیه پولی و اقتصادی
۹	(انجمن ملتهای جنوب شرقی آسیا (آ، سه، آن	۷	۳	مرحله ۱: ناحیه آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه گمرکی
۱۰	همکاری اقتصادی دریای سیاه	۱۱	۳	ناحیه تجاری ترجیحی
۱۱	کشورهای مستقل مشترک‌المنافع	۱۲	۶	مرحله ۱: ناحیه آزاد تجاری مرحله ۲: اتحادیه گمرکی
۱۲	انجمن اقتصادی شرق آسیا	۱۰	۳	همکاری منطقه‌ای
۱۳	انجمن آسیایی جنوبی برای همکاری منطقه‌ای	۷	۳	ناحیه تجاری ترجیحی

ماخذ: SESRTCIC, ۲۰۰۰